

مقاله‌ی مروری

آنفلوآنزای اسپانیایی در مشهد، از سال 1297 تا 1299 هجری شمسی

سیدعلیرضا گلشانی*¹، غلامرضا آذری خاکستر²

1. دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده طب ایرانی اردکان، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

2. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، پژوهشگر مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، مشهد، ایران.

چکیده

یکی از فجایع تاریخی شمال شرق ایران که بسیاری از مردم این منطقه را از بین برد، آنفلوآنزای اسپانیایی بود که در سوم و چهارم آگوست ۱۹۱۸م/ یازدهم و دوازدهم مرداد ۱۲۹۷ه.ش، وارد مشهد شد و تا سال ۱۹۲۰م/ ۱۲۹۹ه.ش، در چندین موج، ادامه یافت. شهر مشهد، طی سه سال، چیزی در حدود ۳۵۰۰ نفر از جمعیت صدهزارنفری‌اش را از دست داد؛ همچنین، آنفلوآنزای اسپانیایی سبب شیوع بیماری‌هایی دیگر شد؛ در واقع، پنج درصد از جمعیت شهر از بین رفت و به بافت جمعیتی این شهر آسیب جدی رسید. در این مقاله، ضمن توجه به اهمیت تاریخ پزشکی محلی مشهد، درباره‌ی مسائل زیر نیز، بحث می‌شود: نقش شیوع بیماری آنفلوآنزای اسپانیایی، جنگ جهانی اول و حضور روس‌ها که مسبب شیوع این بیماری شدند، واکنش پزشکان ایرانی و خارجی به این بیماری و دارویی که تجویز کردند و نقش پررنگ انگلیسی‌ها در قحطی مصنوعی، اعتیاد به تریاک و فقر غذایی. **واژگان کلیدی:** آنفلوآنزای اسپانیایی، انگلیس، ایران، روسیه، مشهد.

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه:

سیدعلیرضا گلشانی

آدرس: استان یزد، اردکان، خیابان امام خمینی

(ره)، دانشکده طب ایرانی

کد پستی: 8951737915

تلفن: 09173388574

Email: golshani_22@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1399/08/07

تاریخ پذیرش: 1400/07/12

تاریخ انتشار: 1400/11/02

مقدمه

همه‌گیری آنفلوآنزای اسپانیایی،^۱ در سال ۱۹۱۸م، مرگ‌بارترین اپیدمی در طول تاریخ بود. در این رخداد، حدود پانصد میلیون نفر، در سراسر جهان، حدود یک‌سوم جمعیت این سیاره، آلوده و در حدود بیست تا پنجاه میلیون نفر، قربانی شدند. این بیماری، برای اولین بار، در اروپا، ایالات متحده و

مناطق از آسیا، قبل از گسترش سریع در سراسر جهان، مشاهده شد. در آن زمان، هیچ دارو و واکسن مؤثری برای درمان چنین آنفلوآنزای قاتلی وجود نداشت؛ بنابراین، به شهروندان دستور داده شد که از ماسک استفاده کنند. مدارس، تئاترها و مشاغل نیز، تعطیل و اجساد، قبل از پایان جولان مرگ‌بار جهانی ویروس، جمع‌آوری شدند (۲و۱) (نک: تصویر شماره‌ی یک).



تصویر شماره‌ی ۱- یکی از بیمارستان‌های بیماران آنفلوآنزای اسپانیایی در آمریکا، در سال ۱۹۱۸م. (۳)

کشور و منشأ اصلی آنفلوآنزای اسپانیایی، هرگز، شناسایی نشد؛ اما برخی معتقدند این بیماری ممکن است از آسیا یا حتی ایالات متحده آمده باشد. ایالت «کانزاس»^۲، جزء ایالت‌های غرب میانه‌ی کشور ایالات متحده‌ی آمریکا، به‌عنوان مبدأ احتمالی، تشخیص داده شده است. دلیل این احتمال، ممکن

است گله‌های خوک یا پرندگان مهاجر باشد؛ همچنین، اردوگاهی را که سربازان آمریکایی جنگ جهانی اول در آن حضور داشته‌اند، به‌عنوان منبع شیوع در سایر نقاط جهان می‌دانند. این سربازان، به جاهای مختلف جهان، از جمله اروپا، اعزام می‌شده‌اند (۴). این بیماری، در آن دوره، به دلیل بی‌طرفی

1. Spanish Influenza

2. Kansas

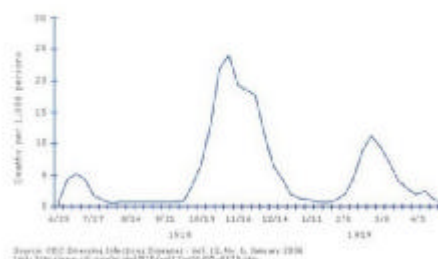
مسائلی که سبب شد روسیه، در سوم مارس ۱۹۱۸م، از این جنگ خارج شود و پیمان قرارداد آتش‌بس و پیمان ترک مخاصمه‌ی «برست-لیتوفسک»^۲ را با دولت‌های آلمان و اتریش و عثمانی امضا کند، شیوع همین بیماری بود؛ بر اساس آن، روسیه نه تنها از ادعاهای خود که با تمسک‌جستن به آن‌ها وارد جنگ شده بود، دست برداشت، بلکه استقلال اوکراین، گرجستان، لهستان و فنلاند را به رسمیت شناخت و از دعاوی خود بر کشورهای بالتیک و برخی نواحی عثمانی، قفقاز و آسیا صرف‌نظر کرد (۷و۶): اما نیروهای بیمار روسی، سبب انتقال بیماری در مناطق قفقاز و نواحی شمالی (بندرها جنوبی دریای کاسپین)، شمال شرقی (ترکمنستان)، شمال غربی (اران و قفقاز) و غربی ایران و مناطق مختلف مرز ایران با عثمانی شدند (۸).

آنفلوآنزا در ایران

قبل از هر چیز، باید به بررسی آنفلوآنزا در ایران بپردازیم. ویلیام فلور^۳ معتقد است: «شیوع بیماری آنفلوآنزا در خاورمیانه و ایران، بارها، رخ داده است و احتمالاً، این بیماری یا چیزی شبیه به آن، در سال‌های ۸۵۵ میلادی در ایران، ۱۶۵۴ در بغداد، ۱۷۵۳ در بصره، زمستان ۱۸۳۳ در ایران، مصر، سوریه و ترکیه و اکتبر ۱۸۵۴ در ایران، اتفاق افتاده است» (۹)؛ البته، در دو زمستان ۱۸۷۷ و ۱۸۷۸م. نیز، شاهد شیوع بیماری آنفلوآنزای ویروسی اسبی هستیم که باعث حدود دو تا سه درصد مرگ‌ومیر خارجی‌ها در ایران شد؛ اما متأسفانه، از آمار دقیق تلفات ایرانیان بی‌خبریم. طبق گفته‌ی فلور، به‌طور دقیق، می‌توان گفت که بیماری آنفلوآنزا، در سال‌های ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۵، ۱۸۹۷، ۱۹۱۰، ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ میلادی، به‌صورت اپیدمی، در ایران ظاهر شده و مرگ‌ومیر طبیعی در میان ایرانیان داشته است؛ اما

اسپانیا در جنگ جهانی اول و عدم دخالت دستگاه نظامی، سیاسی و امنیتی این کشور در جنگ، به آنفلوآنزای اسپانیایی معروف شد؛ درحالی‌که کشورهای آلمان، آمریکا، فرانسه و بریتانیا، اخبار و اطلاعات مربوط به آنفلوآنزا را سانسور و علت آن را حفظ روحیه‌ی جمعی، پس از پایان جنگ، بیان می‌کردند (۵) (نک: نمودار شماره‌ی یک)

Pandemic Waves (1918-1919)



نمودار شماره‌ی ۱- نمودار موج‌های بیماری آنفلوآنزا از سال

۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹م.^۱

آنفلوآنزا، ویروسی است که به سیستم تنفسی حمله می‌کند. ویروس آنفلوآنزا بسیار مسری است؛ وقتی فرد آلوده، سرفه، عطسه یا صحبت می‌کند، قطرات تنفسی ایجادشده، به هوا منتقل می‌شود و ممکن است توسط فردی دیگر در آن نزدیکی، استنشاق شود (۲).

در جریان جنگ جهانی اول، شاهد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. در روسیه هستیم؛ درحالی‌که روسیه‌ی تزاری، بین سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲م، دچار جنگ داخلی است که به دنبال آن، کشوری با نام «اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی» تأسیس شد. بیماری آنفلوآنزا، از طریق نیروهای آمریکایی، به نیروهای روسی منتقل گردید که کشتار بسیاری در پی داشت و یکی از

۱. اندازه‌ی موج دوم با موج اول شیوع آنفلوآنزا در سال ۱۲۹۷ ه.ش قابل قیاس نیست.

2. Treaty of Brest-Litovsk
3. Willem Floor

رفتند. سالمندان و فقیران، بیش از دیگران، در معرض این مرگومیر بوده‌اند (۱۵).

طبق گفته‌ی ویلیام فلور، از جمعیت صد هزار نفری مشهد، چیزی در حدود هفتاد هزار نفر، بیمار و در حدود ۳۵۰۰ نفر، فوت شدند. میزان مرگ در شهر پنج درصد و در روستاهای اطراف، هفت درصد بود. یکی از راه‌های ورود این بیماری به مشهد، از طریق عشق‌آباد ترکمنستان در روسیه تزاری بوده که از آنجا به غرب و از مسیر جاده، به تهران رفته است (۹). راه دیگر شیوع آنفلوآنزا در مشهد را باید از طریق روسیه و باکو در دریای کاسپین و بندر انزلی بدانیم؛ چنان‌که از ۴ آگوست ۱۹۱۸، به عشق‌آباد و از آنجا، به سایر نقاط شمالی ایران وارد شد (۹). از آنجا که ابتلا به این بیماری در ایران سابقه نداشت، مدتی پزشکان ایرانی از تشخیص آن عاجز بودند و آن را با مالاریا، تیفوس، آنفلوآنزای مزمن و... اشتباه می‌گرفتند تا اینکه بعد از جلسات شورای طبی و گفت‌وگوهای زیاد، بیماری گریپ و آنفلوآنزا تشخیص داده شد (۱۶).

در این زمان، از طرفی، تعداد زیاد بیماران که اغلب، از کارگران و طبقات فقیر بودند، به مریض‌خانه‌ها هجوم می‌آوردند و از طرف دیگر، کمبود پزشک، مریض‌خانه و دارو، معالجه‌ی آن‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌کرد. برای درمان بیماری گریپ و عوارض آن، داروهایی به‌صورت قرص و آمپول، از اروپا وارد شدند که مهم‌ترین آن‌ها قرص ضدگریپ مانند آسپرین^۱، کینین^۲، آرسنیک^۳، دیژیتال^۴، استریکنین^۵، نمک‌های اپسوم^۶، روغن کرچک^۷ و ید^۸ بودند (۱۷).

در این میان، آنفلوآنزای اسپانیایی زمانی وارد ایران شد که به دلیل قحطی بزرگ که توسط انگلیسی‌ها به وجود آمده بود،

به علت اینکه شیوع این بیماری‌ها و مرگومیر ناشی از آن، در فواصل سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۳ م، در ایران، مانند همه‌گیری آنفلوآنزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸ م. نبوده، چندان در کانون توجه قرار نگرفته و در تاریخ، کمتر به آن پرداخته شده است (۱۰). پزشکان ایرانی، مانند رازی و بوعلی‌سینا، ظاهراً، تاحدودی، از این بیماری اطلاع داشته‌اند و قسمت‌هایی از کتاب الحاوی و قانون را به آن اختصاص داده‌اند. این بیماری را با عناوین «زکام» و «نزله» یاد کرده‌اند (۱۱ و ۱۲)؛ اما پزشکان تاریخ معاصر ایران، تألیفاتی محدود در این زمینه دارند؛ اثر بسیار مهم گریپ یا رساله‌ای در مرض آنفلوآنزا (۱۸۹۱)، از فیلسوف‌الدوله میرزا عبدالحسین تبریزی زنوزی (۱۸۶۶ تا ۱۹۴۱)، جزء اولین تألیفاتی است که پزشکی ایرانی، متأثر از پزشکان غرب، نوشته است (۱۳). راز درمان، تألیف عبدالله احمدیه (۱۸۸۶ تا ۱۹۵۹)، به زبان فارسی، در سه مجلد، منتشر شده است. این کتاب را می‌توان نمونه‌ای از کتاب‌هایی دانست که با ذکر حکایت بیماران، به شیوه‌ی درمان بیماری آنفلوآنزا و نزله اشاره می‌کند (۱۴)؛ البته، نگارش این اثر، بعد از واقعه‌ی آنفلوآنزای اسپانیایی در ایران بوده است.

آنفلوآنزای اسپانیایی در شهر مشهد

برای نخستین‌بار، در سال ۱۸۹۰ م، آنفلوآنزا نیز در مشهد همه‌گیر شده و تلفاتی داشته است (۹)؛ اما خط سیر شیوع بیماری آنفلوآنزای اسپانیایی در مشهد را باید از طریق شمال، از روسیه بدانیم؛ چنان‌که از عشق‌آباد ترکمنستان در روسیه تزاری، در سوم و چهارم آگوست ۱۹۱۸، وارد مشهد شد (۹). در موج ابتدایی آنفلوآنزا در خراسان که با تندبادی سرد هم‌زمان شد، در طول یک ماه، فقط در مشهد، حدود پانصد نفر، از بین

5. Strychnine
6. Epsom Salts
7. Castor Oil
8. Iodine

1. Aspirin
2. quinine
3. Arsenics
4. Digitalis

خشک‌سالی‌ها، جان بسیاری از مردم را تهدید کرده است. گرانی حاصل از قحطی، عامل اصلی سوء‌تغذیه‌ی مردم در این دوره است (۱۸).

همچنین، اسلستین مسیونر^۱ آمریکایی، در مشهد، در ۲۱ دسامبر ۱۹۱۸، می‌نویسد: «قحطی در اینجا در حال گسترش است و هر روز، جدی‌تر می‌شود. گندم، اکنون، پوندی ۶۵ تومان است. مردم فقیر در اینجا، به‌شدت، از نظر غذا در رنج‌اند. ما شمار اندکی از آن‌ها را ظهر هر روز، با پولی که برای این کار از سوی دوستان داده شده است، اطعام می‌کنیم» (۱۸). این مسیونر آمریکایی، بعدها، بر اثر بیماری تیفوس یا آنفلوآنزای اسپانیایی، در مشهد، درگذشت (۲۲) (نک: تصویر شماره‌ی دو).



تصویر شماره‌ی ۲- سنگ قبر دکتر لوئیس اسلستین

مردم شهر، ناچار به این امر شده است؛ اما اسلستین، بار دیگر، در سال ۱۲۹۰ ش/۱۹۱۱م، به مشهد بازگشت و از آن پس تا پایان عمر خود، سال ۱۹۱۸، در این شهر باقی ماند و در راه همیاری و کمک به مردم قحطی‌زده و بیمار مشهد، بر اثر اپیدمی تیفوس یا آنفلوآنزای اسپانیایی، درگذشت (۲۲) (۲۳).

بسیاری از مردم، اعضای خانواده، دوستان و آشنایان خود را از دست داده بودند و همچنان، با فقر، گرسنگی و قحطی، دست‌وپنجه نرم می‌کردند. مردمی که از قحطی بزرگ جان سالم به‌در برده بودند، سیستم ایمنی بدنشان، به‌شدت، ضعیف شده بود و برخی، دچار بیماری‌هایی دیگر هم شده بودند (۱۸ و ۱۹). سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م، به دلیل قحطی سخت و شدید، امراض عمومی وبا و حصبه‌ی شدید، به‌قدری خراب و نابسامان بود که به‌قول محمدتقی مدرس رضوی (۱۲۷۴ تا ۱۳۶۵ه.ش)، نویسنده‌ی کتاب سال‌شمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم، حتی‌الامکان، باید از نوشتن آن‌ها خودداری کرد (۲۰). وی وضعیت آن روزها را چنین تحلیل کرده است: «گرانی اجناس و قحطی که از اول سال ۱۳۳۵ ق. شروع شده بود، در این اواخر، به منتهای کمال رسید. قیمت گندم، هر خرواری، ۱۲۰ تومان بالغ می‌شد. سایر اجناس هم، به همین نسبت، قیمتش ترقی کرده بود. علاوه‌براین، وبا و حصبه بین مردم شایع شد و تلفات زیادی وارد آورد. مردم بی‌بضاعت، در کوچه و بازار، از گرسنگی جان می‌دادند؛ مخصوصاً، مردم دهات، از همه بیشتر، دستخوش مصائب بودند» (۲۰). به‌طور کلی، مشهد، مقارن اپیدمی آنفلوآنزا، دورانی سخت را گذرانده است. کمبود باران و برف، جمع‌آوری محصولات و خروج کالاهای اساسی توسط انگلیسی‌ها، موجب تشدید قحطی در خراسان و مشهد شده است. حاکم خراسان، نجدالسلطنه، در تلاش برای خارج‌شدن از بحران است (۲۱)؛ ولی آثار نامطلوب

1. Lewis F. Esselstyn؛ پزشک و کشیش آمریکایی و از مسیحیان پرسبیتترین، است که در مشهد و در گورستان آرامنه‌ی این شهر و در محل کلیسای آرامنه، در بلوار «حر آملی»، آرامیده است. وی دومین مسیونر آمریکایی ساکن در مشهد است که در سال ۱۳۱۲ق/۱۸۹۵م، وارد مشهد شد و پس از مدتی کوتاه، ناچار به ترک این شهر گردید. علت این خروج ناگهانی وی چندان معلوم نیست؛ ظاهراً، در اثر تغییر شرایط و واکنش تند

مسری بروز کرده؛ از طرف ایالت، به دکترحاذق‌الدوله امر به تحقیق شده. از قراری که امروز دکتر مذکور اظهار داشته بود، دیشب، یازده نفر مریض را دیده، اسامی و منازل آن‌ها را به اداره‌ی نظمیه صورت داده بود. امروز، اداره‌ی نظمیه به حاذق‌الدوله اظهار داشته از مبتلایان مذکور، هفت نفر، تا صبح، تلف شده‌اند. دو ساعت بعد از ظهر امروز، کمیونی از اطبا در ارگ تشکیل شده که مطابق دستور آن‌ها (طیبیان)، در جلوگیری ساعی باشند [جلوگیری از بیماری بکوشند].» (۲۵).

محتوای روزنامه‌ها حاکی از آن است که گزارش‌هایی جزئی از آنفلوآنزای اسپانیایی در مشهد به ثبت رسیده است؛ از جمله، روزنامه‌ی رعد، ضمن اشاره به مجلس «حفظ‌الصحه»ی خراسان، نطق دکترامیر اعلم را با این مضمون آورده است: «...پس از وبا، دچار حملات و صدمات آنفلوآنزای کذایی شدید که از اسپانیا شروع نموده، مانند یک طوفان بلایی دور عالم زده و در ظرف اندک‌مدت، میلیون‌ها اولاد آدم را به خاک هلاکت ریخت. الحق، در آن موقع نیز، غیورانه، جنیدید و از اثر اقدامات شما تلفات در مشهد مقدس، نسبت به شهرهای مرکزی ایران، به مراتب، کمتر شد. شما در موقع تهاجم امراض و مأموریت‌دادن به چند نفر فداکار، برای جلوگیری از سرایت و توسعه‌ی آن‌ها، مردانه، کوشیدید و در حفظ بیت‌المال مسلمین که به اختیار شما گذاشته شده بود، هیچ ملاحظه نکرده، از فداکاران که در نهایت، طرف اطمینان بودند، در هر خرجی، اسناد مثبته طلبیدید و تفتیشات دقیقه نمودید و سرمشق قابل ملاحظه‌ای به ابناء نوع دارید...» (۲۶).

امیر اعلم افزوده است: «...در موقع استیلا‌ی عمومی به آنفلوآنزا در اطراف مشهد و سایر نقاط خراسان ایالت کبری، مبلغ یک هزار تومان بر اعتبار سابق افزودند تا اطبای سیار شما،

نشریه‌ی نی‌یرایست^۱، چاپ لندن، در شماره‌ی ۱۲ آوریل ۱۹۱۸، ضمن گزارشی از مشهد، به توصیف اوضاع در نوامبر ۱۹۱۷ می‌پردازد: «یک سال و نیم است که در ناحیه‌ی مشهد، برف و باران نباریده و خشک‌سالی دارد خیلی جدی می‌شود. قیمت گندم از بهای عادی آن که حدود دوازده تومان در هر خروار (۶۵۰ پوند) است، به خرواری ۵۰ تا ۴۵ تومان افزایش یافته است. از منابع موثق شنیدم که نوزادان را سر راه می‌گذارند تا کسی آن‌ها را بردارد و تیمار کند. حدود ۲۵ نفر از این نوزادان سرراهی را به دارالشفای حرم امام‌رضا [ع] برده‌اند...» (۱۸).

باید گفت بیماری آنفلوآنزای اسپانیایی در مشهد، زیر سایه‌ی مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی و قحطی قرار گرفته و اخبار و گزارش‌های تواریخ محلی خراسان و مشهد، نسبت به اپیدمی آن (به‌خاطر ناشناخته‌بودن در آن زمان و وقوع مسائل و مصائب مختلف) بی‌تفاوت بوده‌اند؛ ولی، به‌طور پراکنده، اسناد و روایت‌هایی در این زمینه باقی مانده است؛ روزنامه‌ی رعد، در سال ۱۹۱۹م، طبق گزارشی آورده است: «...مقارن شیوع آنفلوآنزای اسپانیایی، ۲۷ طیب، در کل شهر مشهد، دارای اجازه‌ی طبابت بودند که اداره‌ی معارف، آن‌ها را تعیین نموده بود؛ همچنین، سه نفر اطبا قونسول‌خانه‌های خارجی نیز، در مشهد فعالیت دارند. تعداد دواخانه‌ها ده باب ذکر شده و مراکز درمانی عبارت‌اند از: "دارالشفای"، "مریض‌خانه‌ی متصریه"، "شفابخانه‌ی دولت انگلیس" و "مریض‌خانه‌ی ینگ‌ی دنیا" و...» (۲۴).

آنچه در اسناد و مطبوعات محلی مشهد درباره‌ی این بیماری منتشر شده، اشاره‌ای گذرا به آن است و گزارش‌هایی دقیق وجود ندارند. بنا بر گزارشی: «دو سه روز است شایع شده که در طرق دو فرسخی شهر و در محله‌ی پایین خیابان شهر، مرض

1. Near East Magazine

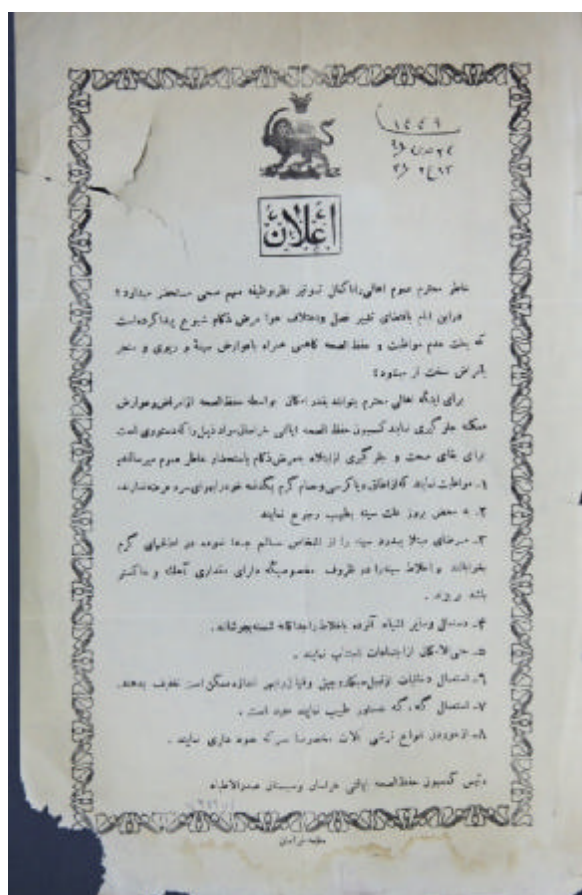
در این اطلاعیه آمده است: «خاطر محترم عموم اهالی را با کمال توقیر، نظر به وظیفه‌ی مهم صحی، مستحضر می‌دارد: در این ایام، به اقتضای تغییر فصل و اختلاف هوا، مرض زکام شیوع پیدا کرده است که به علت عدم مواظبت و حفظ‌الصحه، گاهی، همراه با عوارض سینه‌ای و ریوی و منجر به امراض سخت‌تر می‌شود. برای اینکه اهالی محترم بتوانند، به قدر امکان، به واسطه‌ی حفظ‌الصحه، از امراض ممکنه جلوگیری نمایند، کمیسیون حفظ‌الصحه‌ی ایالتی خراسان، موارد ذیل را که دستوری است برای بقای صحت و جلوگیری از ابتلا به مرض زکام، به استحضار خاطر عموم می‌رساند:

۱. مواظبت نمایند که از اطاق یا کرسی و حمام گرم، یک‌دفعه، خود را به هوای سرد عرضه ندارند.
۲. به محض بروز علت سینه، به طبیب رجوع نمایند.
۳. مرضی مبتلا به درد سینه را از اشخاص سالم جدا نموده، در اطاق‌های گرم بخوابانند و اخلاط سینه را در ظروف مخصوصی که دارای آهک و خاکستر باشد، بریزند.
۴. دستمال و سایر اشیای آلوده به اخلاط را جداگانه، شسته، بچوشانند.
۵. حتی‌الامکان، از اجتماعات اجتناب نمایند.
۶. استعمال دخانیات، از قبیل سیگار و چپق و قلیان را به هر اندازه ممکن است، تخفیف بدهند.
۷. استعمال گنه‌گنه، به دستور طبیب نمایند، مفید است.
۸. از خوردن انواع ترشی‌آلات، مخصوصاً سرکه، خوداری نمایند» (۲۷).

همچنین، در آن زمان، به دلیل قحطی بزرگ، مردم به مصرف تریاک روی آورده بودند. مصرف تریاک، سیستم ایمنی بدن افراد را ضعیف کرده بود. انگلیسی‌ها عوامل خود را مأمور کرده

قصبه به قصبه، ده به ده، گشته، مردم بیچاره را که صددرد، گرفتار می‌شدند، مجاناً، مداوا و معالجه نمایند و برای تأمین آتیه‌ی امور صحی خراسان، پیشنهاد شما را در احضار ده نفر طبیب دیپلمه از تهران، تصویب نمودند...» (۲۶).

صدرالاطبا، رئیس کمیسیون حفظ‌الصحه‌ی خراسان و سیستان، در ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸، طی اعلانی، چگونگی جلوگیری از زکام (آنفلوآنزا) را برای مردم خراسان، تشریح کرده است (نک: تصویر شماره‌ی سه).



تصویر شماره‌ی ۳ - اعلان صدرالاطبا، رئیس کمیسیون حفظ‌الصحه‌ی خراسان و سیستان، در ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ (مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی)

نتیجه گیری

شرایط ناشی از جنگ و اشغال ایران، فقدان ارتباط منظم بین شهرها و روستاها، وجود ناامنی، رکود واردات و صادرات، بالارفتن تقاضای مواد مصرفی و ارزاق عمومی در بازار ایران با توجه به احتیاجات نیروی متفقین، سوءاستفاده‌ی محتکران و خروج مایحتاج عمومی از مرزهای کشور، مخصوصاً سرحدات جنوب، بحرانی عمیق را در زندگی مردم به وجود آورد و باعث ورشکستگی اقتصادی و شیوع قحطی، بیماری و فقر عمومی در سرتاسر کشور شد. در چنین هنگامه‌ای، شاهد ظهور آنفلوآنزای اسپانیایی، در سال ۱۹۱۸م، در شمال شرق ایران، مشهد، هستیم. ویلیام فلور نیز، به این مسأله، نگاهی گذرا داشته است. در میان مورخان تاریخ محلی مشهد، عده‌ای اندک، چون: محمدتقی مدرس رضوی، کوتاه، به این بیماری پرداخته‌اند که زبانشان گویای بسیاری از مصائب این بیماری است. در نتیجه‌ی پیوند سه سوغات بریتانیا، یعنی قحطی بزرگ و تریاک و آنفلوآنزای اسپانیایی، کنار ضعف و ناتوانی حاکمان محلی خراسان و دولت‌های قاجاریه، بسیاری از مردم مشهد و دیگر نقاط جغرافیایی ایران، جان باختند؛ البته، نیروهای نظامی بریتانیا هم، به این ویروس مبتلا شدند؛ اما آن‌ها مواد غذایی، غلات و نیازهای مردم را غارت کرده و از تجهیزات درمانی برخوردار بودند؛ ازاین‌رو، تلفاتی چندان دادند.

بودند تا با تبلیغ تریاک، به‌عنوان درمان دردها، مردم ایران را که در آن زمان، به‌دلیل فقر و کمبود پزشک، از بیماری رنج می‌بردند، به این ماده‌ی مخدر معتاد کنند. گفته می‌شود در آن سال‌ها، حدود ده درصد جمعیت صد هزار نفری مشهد، تریاکی بودند. در نتیجه‌ی پیوند سه سوغات انگلیسی، یعنی قحطی بزرگ و تریاک و آنفلوآنزای اسپانیایی، کنار ضعف و ناتوانی حاکمان و دولت‌های قاجاریه، بسیاری از مردم ایران از بین رفتند؛ البته، نیروهای نظامی انگلیس هم مبتلا به این ویروس شدند؛ اما آن‌ها مواد غذایی، غلات و نیازهای مردم را به غارت برده و از تجهیزات درمانی برخوردار بودند؛ ازاین‌رو، تلفاتی چندان ندادند و از خطر آنفلوآنزای اسپانیایی در امان ماندند (۱۸ و ۱۹ و ۲۸).

منابع

1. Patterson KD, Pyle GF. The geography and mortality of the 1918 Influenza Pandemic. *Bulletin of the History of Medicine* 1991; 65(1): 4-21.
2. Barclay W, Openshaw P. The 1918 Influenza Pandemic: one hundred years of progress, but where now? *The Lancet Respiratory Medicine* 2018; 6(8): 588-589.
3. Shoja-Bosjin A. World Experiences of the Spanish Flu, paving the way for the Corona Crisis. <https://www.irna.ir/news/83713853>. (accessed on: 2020)
4. Barry JM. The site of origin of the 1918 influenza pandemic and its public health implications. *Journal of Translational Medicine* 2004; 2(1): 1-4.
5. Humphries MO. Paths of Infection: The First World War and the Origins of the 1918 Influenza Pandemic. *War in History* 2014; 21(1): 55-81.
6. Phillips H. Influenza Pandemic. Last updated 08 October 2014. https://encyclopedia.1914-1918-online.net/article/influenza_pandemic. (accessed on: 2021)
7. Stone N. *World War One: A Short History*. New York: Basic Books; 2009, p. 5.
8. Azizi MH, Raees Jalali GhA, Azizi F. A History of the 1918 Spanish Influenza Pandemic and its Impact on Iran. *Arch Iran Med* 2010; 13(3): 262-265.
9. Floor WM. Public health in Qajar Iran. Translated by Nabipour Ir. Bushehr: Bushehr University of Medical Sciences; 2007, p.27. [In Persian].
10. Floor WM. Public health in Qajar Iran. Translated by Iraj Nabipour. Bushehr: Bushehr University of Medical Sciences; 2007. p 27. [in Persian]
11. Rhazes. *Kitāb al-Ḥāwī fī al-ṭibb*. Edit: Haytham Khalifa. Vol 6. Beirut: Dar Ahya al-Teras al-Arabi; 2001, p.292. [in Arabic]
12. Avicenna. *The Canon of Medicine*. Beirut: Dar Ahya al-Teras al-Arabi; 2005, (2): p.413. [In Arabic]
13. Montasab-Majabi H. A Review of Shia Medical Texts in Medical History. Kermanshah: Razi University; 2007, p.314. [in Persian]
14. Ahmadiyya A. *The Secret of Treatment (A Treatise on Traditional Medicine and Herbal Medicine)*. Tehran: Eghbal; 2008, (1): p.3-6. [in Persian]
15. Farahani H. *Newspaper Contemporary History of Iran*. Tehran: Political Studies and Research Institute; 2006, (3): P.454. [in Persian]
16. Ghassabi Gazkouh J, Vakili H, Rezaeian SM, Golshani SA, Salehi A. Contagious diseases and its consequences in the Late Qajar period Mashhad (1892–1921). *Arch Iran Med* 2020; 23(6): 414–421.
17. Spinney L. *Pale rider: the Spanish flu of 1918 and how it changed the world*. London: Vintage; 2018, p. 109–110.
18. Majd MG. *The Great Famine and Genocide in Persia 1917-1919*. Tehran: Political Studies and Research Institute; 2007. p 70-79. [In Persian].
19. Dehghan Hessampour M. *Opium, widespread causes of cultivation and its effects on the economy and society of Iran (1796-1926)*. [dissertation]. Tehran (Iran). Tarbiat Modares University (T.M.U); 2012. p 236-242. [in Persian]
20. Modarres-Razavi MT. *Years Count Events in Mashhad In the 5th to 13th centuries AH*. Mashhad: Islamic Research Foundation Astan Quds Razavi; 1999. p 234-235. [in Persian]
21. *Documents and Press Archive of Astan Quds Razavi*; 1920: 103984/1.
22. Elder J. *History of the American Mission in Iran*. Translated by Soheil Azari. Tehran: Noor Jahan; 1954. p 76. [In Persian].
23. Salehnezhad, Z. *Armenian cemetery of Mashhad*. <https://www.kojaro.com/2016/8/8/121093/mashhad-armenian-cemetery>. (accessed on: 2019)
24. *Ra'd (newspaper)*; 1919: 10(28): 1-3.
25. *Iran (newspaper)*; 1917: 1(114): 1-3.
26. *Ra'd (newspaper)*; 1919: 9(119): 1-3.
27. *Documents and Press Archive of Astan Quds Razavi*; 1920: 74520/1.
28. Shakarami A. *Drugs and Addiction*. Tehran: Gutenberg Publishing; 1989. p 48. [in Persian].

Review Article

*Spanish Influenza in Mashhad from 1918 to 1920*Seyyed Alireza Golshani*¹, Gholamreza Azari Khakestar²

1. PhD, History of Iran after Islam, Department of Persian Medicine, School of Persian Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Ardakan, Yazd, Iran.

2. MA, History and Civilization of Islamic Nations, Researcher at the AstanQuds Razavi Documention and Press Center, Mashhad, Iran.

Received: 28 October 2020

Accepted: 4 October 2021

Published: 22 January 2022

***Corresponding Author**

Seyyed Alireza Golshani

Address: Yazd Province, Ardakan, Imam Khomeini St., School of Persian Medicine.

Postal Code : 8951737915

Tel: (+98) 9173388574

Email: golshani_22@yahoo.com

Citation to this article:

Golshani SA, Azari Khakestar Gh. Spanish Influenza in Mashhad from 1918 to 1920. *Medical Ethics and History of Medicine*. 2021; 14: 363-372.

Abstract

Spanish flu was one of the harshest historical pandemics in the northeastern Iran, which killed many local people. Its first outbreak in Mashhad dates back to August 3 and 4, 1918. This disease continued until 1920 in successive waves. The death toll of this disease in Mashhad (with a population of 100,000 people at the time) was possibly as high as 3,500. Moreover, this disease caused outbreak of other diseases. In fact, it killed five percent of this city's population and resulted in huge deaths in this city. This paper takes the importance of Mashhad's medical history into consideration and at the same time investigates the outstanding role of Spanish influenza, World War I, and the presence of Russians who were the main cause of this outbreak in Mashhad, and the reaction of Iranian and foreign physicians to this disease and the medicine they prescribed, as well as the significant role of British in fake Persian Famine, opium addiction, and food poverty.

Keywords: Spanish Influenza, Britain, Iran, Russia, Mashhad.

